



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

مقالات (۷۷)

نقد رویکرد بی‌نظم و التقاطی به سنت نبوی؛

محمد شحرور و عدنان ابراهیم به عنوان نمونه (۱)

آیا سنت نبوی وحی است؟

شریف محمد جابر | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



آیا سنت نبوی وحی است؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا سنت نبوی وحی است؟

در این نوشته، به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت: آیا سنت نبوی هم وحی الهی است یا اینکه وحی تنها منحصر به قرآن کریم است؟ اگر پاسخمان این باشد که سنت هم وحی است، در این صورت سنت در دین خداوند حجت خواهد بود؛ زیرا هیچ چیز را نمی‌توان به دین نسبت داد مگر اینکه منبع آن وحی باشد. و اگر سنت وحی نباشد، در دین نیز حجت نخواهد بود.

پیش از پاسخ به این پرسش اصلی، مایلیم به عبارتی غیر علمی اشاره کنم که در تلاش برای پاسخ‌گویی به این سؤال مطرح می‌شود؛ برخی می‌گویند: پیامبر ﷺ فقط ابلاغ کننده است، نه تشریع کننده؛ و هدفشان از این سخن،

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

نهی هرگونه حجیت شرعی از سنت نبوی است؛ با این تصور که وظیفه پیامبر تنها رساندن پیام از سوی خداوند متعال است، همان‌گونه که خداوند عزوجل فرموده است: **{مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ}** [المائدة: ۹۹] (بر عهده پیامبر چیزی جز ابلاغ نیست).

برخی نیز خوش دارند به این سخن آیه دیگری بیفزایند، آنجا که خداوند متعال فرموده است: **{إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ}** [الأنعام: ۵۰] (من از چیزی پیروی نمی‌کنم مگر از آنچه که به من وحی می‌گردد)، تا تأکید کنند که پیامبر ﷺ صرفاً پیرو وحی بوده است.

حقیقت این است که هیچ تعارضی نیست میان اینکه پیامبر ﷺ از طرف پروردگارش ابلاغ می‌کرد و اینکه سنت نیز وحی از جانب خداوند متعال باشد؛ همان‌گونه که کتاب خدا وحی از جانب اوست. بنابراین پیامبر در تلاوت، توضیح و آموزش کتاب الله، از جانب پروردگارش پیام را می‌رساند، و

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

در سنت گفتاری و رفتاری اش نیز از سوی پروردگارش ابلاغ می‌کند و چیزی را از پیش خود نمی‌گوید و حکمی را از خودش صادر نمی‌کند!

همچنین، هیچ تعارضی نیست بین اینکه پیامبر ﷺ پیرو وحی الهی باشد، و اینکه سنت او نیز وحیی باشد که از سوی خداوند متعال به او رسیده و آن را به امتش یاد داده است. در نتیجه هیچ یک از آیات یادشده و امثال آنها دلالتی بر نفی حجیت سنت نبوی یا برچیدن صفت وحی از آن ندارد. از همین رو می‌بینیم همان آیه‌ای که ما را به اطاعت از پیامبر ﷺ در کنار اطاعت از خداوند فراخوانده، و برای تأکید بر اهمیت آن ما را آگاه کرده که هدایت وابسته به پیروی از پیامبر است، در همان آیه آمده که فقط ابلاغ روشن بر عهده پیامبر است: **﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا**

۱- البته ممکن است که پیامبر ﷺ از روی اجتهاد خود ابتداءً حکمی بدهد اما همین حکم نیز از سوی خداوند مورد اقرار و تایید قرار می‌گیرد مگر در حالات کمی که اجتهاد ایشان توسط وحی تصحیح می‌شود. بنابراین هر حکمی از سوی پیامبر ﷺ که بعدها توسط قرآن تصحیح نشده باشد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مورد تایید خداوند است. (مترجم)

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

[النور: ۵۴] (بگو: از الله و پیامبر اطاعت کنید؛ اگر سرپیچی کردید، پیامبر مسئول چیزی است که بر او تکلیف شده (ابلاغ وحی) و شما نیز مسئول چیزی هستید که به آن تکلیف شده‌اید؛ اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت می‌شوید؛ و پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن آشکار [وحی] ندارد).

قرآن به روشنی ما را آگاه می‌سازد که سنت نیز وحی است

شاید لازم باشد نخست برخی آیات را پیش روی خواننده بگذاریم که دلالتی قاطع دارند بر اینکه پیامبر ﷺ جدا از قرآن نیز وحی دریافت می‌کرد: **مَنْ يُطِيعِ**

الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ [النساء: ۸۰] (کسی که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت

از الله اطاعت کرده است). دلالت این آیه برای کسی که چیزی از زبان عربی

می‌داند واضح است. همچنین حق سبحانه و تعالی می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ**

آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ

تَأْوِيلًا [النساء: ۵۹] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله و پیامبر و والیان

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

امرتان اطاعت کنید، و اگر در چیزی اختلاف داشتید، آن را به الله و پیامبر بازگردانید، اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید؛ این بهتر و نتیجه‌اش نیکوتر است). این آیه نیز دلالتش آشکار است؛ زیرا اگر وحی تنها محدود به قرآن بود، بازگرداندن آن اختلاف به خداوند کافی بود.

همچین حق تعالی می‌فرماید: **{فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ}** (النور: ۶۳) (پس کسانی که از فرمانش سرپیچی می‌کنند، باید بترسند از اینکه اندوه و بلایی بر سرشان بیاید یا به عذابی دردناک گرفتار شوند). اینجا مخالفت امر پیامبر ﷺ را - که وحی است - نوعی سرپیچی دانسته که انسان برای آن مورد محاسبه قرار می‌گیرد. و می‌فرماید: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ}** (الأنفال: ۲۴) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه الله و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما زندگی می‌بخشد، [فرمان] آنان را اجابت کنید). خداوند متعال ما را از زبان پیامبرش به سوی کتاب الله فرا می‌خواند، اما

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

رسول را نیز افزوده زیرا او ما را با آن قسمت از وحی که در سنت اوست به سوی چیزی که زندگی ما در آن است فرا می خواند.

حق سبحانه و تعالی می فرماید: **وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا** (الأحزاب: ۳۶) (برای هیچ مرد و زن مؤمنی شایسته نیست که وقتی الله و رسولش به کاری فرمان می دهند، [در اجرای آن فرمان،] اختیاری داشته باشد؛ و هر کس از الله و رسولش نافرمانی کند، حقا که در گمراهی آشکاری گرفتار شده است). بنابراین خداوند متعال آنچه را که پیامبرش ﷺ حکم می کند، در کنار احکام الهی در کتابش، واجب الاتباع قرار داده و نافرمانی از پیامبر را گمراهی آشکار دانسته است. این آیات برای خردمند کافی ست. اما اگر کسی بگوید: پس آیه **وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ** (النحل: ۸۹) (و کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا روشنگر هر چیزی باشد)، چه می شود؟ در پاسخ می گوییم: با آیاتی که آوردیم چه خواهی کرد؟ آیات پیشین نیز بخشی از همان روشنگری قرآن هستند؛ آیاتی که بر لزوم اطاعت از پیامبر و

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

پاسخ‌گویی به فرمان او تأکید دارند نشان می‌دهند که هدایت در گرو پیروی از اوست، و در موارد اختلاف باید به الله و پیامبرش رجوع کرد. این‌ها و بسیاری آیات دیگر، جایگاه پیامبر را به روشنی بیان کرده‌اند، همان جایگاهی که تو انکارش می‌کنی!

دلایل دیگر از قرآن

علاوه بر این، قرآن به شیوه‌ای دیگر نیز بر این دلالت دارد که سنت، وحی از جانب خداوند است. خداوند عزوجل به واجبات اساسی در دین چون برپایی نماز، پرداخت زکات، حج و دیگر فرایض فرمان داده، اما شیوه انجام آن‌ها را به تفصیل بیان نکرده است. امروزه هیچ مسلمانی درباره این که نمازهای واجب پنج وعده‌اند و رکعت‌های آن همانند که امروز می‌شناسیم و کیفیت انجام آن مانند آغاز نماز با تکبیر، خواندن سوره فاتحه، سپس یک بار رکوع، و بعد دو بار سجده کردن، و نیز تشهد و درود ابراهیمی، سلام پایانی، ارکان و شروط و مبطلات نماز، تردیدی ندارد.

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

هیچ کس در این تردید ندارد که همه این‌ها جزو دین هستند، حتی برخی از کسانی که حجیت سنت را انکار می‌کنند، همین اعمال را انجام می‌دهند، و آن‌ها را عباداتی از جانب خدا می‌دانند؛ در حالی که این موارد به تفصیل در کتاب خدا نیامده‌اند. ما پیش‌تر در نوشته «تنها قرآن کافی نیست» این موضوع را برای اثبات حجیت سنت بیان کرده‌ایم، اما اکنون آن را برای اثبات این نکته یادآور می‌شویم که سنت، وحیی از سوی خداوند است و کسی که این را انکار می‌کند، باید از اقامه نماز به شیوه‌ای که امروز همه مسلمانان با مذاهب گوناگونشان بر آن اتفاق دارند، خودداری کند؛ زیرا چنین کسی انکار می‌کند که چیزی از دین - غیر از آن چه در قرآن است - به پیامبر وحی شده باشد!

برخی از کسانی که سنت را وحی نمی‌دانند، تلاش کرده‌اند با توجیهاتی بی‌پایه این واقعیت را کمرنگ جلوه دهند. آنان (کسانی مانند محمد شحرور، عدنان ابراهیم و عدنان الرفاعی) گفته‌اند: آن چه ما از کیفیت‌های نماز می‌دانیم، سنتی عملی است که به صورت متواتر از دوران پیامبر نقل شده، و

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

مردم آن را پیوسته انجام داده‌اند؛ بنابراین ما برای شناخت آن نیازی به احادیث نداریم. با آن که این سخن اشتباه است - چنان که به اختصار توضیح خواهیم داد - اساساً ارتباطی به محل بحث ندارد؛ زیرا بحث ما بر سر این نیست که آیا سنت، سنت عملی متواتر است یا شامل سنت گفتاری نقل شده در کتاب‌های حدیث نیز می‌شود؛ بلکه بحث بر سر این است که «آیا سنت، وحی است یا خیر».

یعنی حتی اگر جداً بپذیریم که کیفیت‌های نماز فقط سنت عملی هستند، باز هم این حقیقت را تغییر نمی‌دهد که آن‌ها اموری دینی هستند که از طریق پیامبر ﷺ آمده‌اند و در قرآن تفصیل نیافته‌اند؛ و به اتفاق، هیچ چیز از دین نیست مگر آن که وحی باشد. با این حال، این دیدگاه ضعیفی است؛ زیرا نمی‌توان بدون دلیل و ضابطه تنها به سنت اجتماعی جاری (و نقل سینه به سینه بدون چهارچوب و مرجع) تکیه کرد؛ چرا که مردم ممکن است به تدریج از ادای صحیح نماز منحرف شوند، و همین امر نیازمند رجوع همیشگی به سنت محفوظ است تا از هرگونه انحراف جلوگیری شود. این همان نقشی

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

است که عالمان، نسل به نسل ایفا کرده‌اند؛ به گونه‌ای که آموزش احکام نماز بر اساس سنت‌های نقل شده در کتاب‌های فقه و حدیث، همواره میان مسلمانان رواج داشته و از نسلی به نسلی دیگر رسیده است.

از آنجا که این استدلال، دلیل قاطع و روشنی بر این است که سنت، وحی است، عدنان ابراهیم مدعی شده که تعداد نمازها، کیفیت آن‌ها و احکامشان در قرآن وجود دارد، و پیامبر ﷺ آن‌ها را از قرآن استنباط کرده است؛ اما او بیان نکرد که چگونه این استنباط صورت گرفته، و گفت: ما نمی‌دانیم چطور این اتفاق افتاده است! و این بدان دلیل است که او می‌داند اگر ثابت کند این احکام از جانب پیامبر آمده و در کتاب خدا نیامده‌اند، این مسأله او را وادار می‌کند که بپذیرد سنت، وحی از طرف خداوند است؛ از همین رو به این سخن سست و بی‌اساس پناه برد که او را در تناقضی شگفت‌انگیز گرفتار ساخته است!

او در ضمن تفسیر خود از این آیه **﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾** [النحل: ۴۴] (و ما ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا برای مردم

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

آنچه به سویشان نازل شده است، توضیح دهی؛ باشد که بیندیشند)، با وجود دلالت آشکار آیه بر ضرورت تمسک به سنت پیامبر به عنوان کسی که تبیین گرایشات قرآن است، در خطبه‌ای با عنوان «آیا محمد ﷺ تشریع‌گر است یا پیرو؟» عنوان کرد که «بیان» پیامبر، صرفاً همان تلاوت اوست؛ تا بدین وسیله وصف تشریع (قانون‌گذاری) را از سنت نفی کند.

او ادعا کرد که قرآن نیازی به تبیین ندارد، و خود قرآن را تبیین‌کننده دانست، و برای اثبات آن، به آیاتی استناد کرد که در آن‌ها قرآن به عنوان «کتابی مبین» یا دارای «آیات روشن» توصیف شده است. همچنین به این آیات از سوره قیامت استناد کرد: **{فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ}** [القیامة: ۱۸-۱۹] (پس هرگاه [توسط جبرئیل] آن را [بر تو] خواندیم، از خواندنِ او پیروی کن * سپس بیان‌کردنش بر [عهده] ماست)، و ادعا کرد که این آیات دلالت دارند بر اینکه خود خداوند متکفل بیان قرآن است.

ما به دکتر عدنان می‌گوییم: اگر قرآن - چنان که شما می‌گویید - مبین و بی‌نیاز از بیان است، پس چگونه ممکن است حاوی کیفیت‌های نماز و تعداد رکعات

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

آن باشد، اما ما نتوانیم آن را تنها با استفاده از همین «آیات بیّنات» دریابیم، بلکه نیازمند پیامبری باشیم که این امور را از قرآن برای ما استنباط کند، چنان که شما می‌گویید؟!

این گونه، بطلان سخن دکتر عدنان ابراهیم آشکار می‌شود؛ زیرا اگر این احکام واقعاً در قرآن بودند - بنا بر گفتار خود او - باید روشن و واضح می‌بودند؛ و اگر [برای مردم] واضح نیستند و تنها پیامبر می‌تواند آن‌ها را دریابد و برای ما بازگو کند، بدون آن که جایگاه آن‌ها را در قرآن بیان کند [که این بیان دقیقاً در کجای قرآن آمده] این خود سخن عدنان ابراهیم را نقض می‌کند که می‌گوید قرآن مبین است و نیازی به بیان پیامبر ندارد!

قرآن چنان که خداوند متعال فرموده است **{به زبان عربی روشن}** [الشعراء: ۱۹۵] نازل شده، پس چگونه ممکن است خداوند عزّوجلّ دانستن جزئیات یک فریضه اساسی چون نماز را - اگر واقعاً چنانکه دکتر عدنان ابراهیم ادعا می‌کند در قرآن آمده باشد - از امت خود پنهان بدارد؟! اما به نظر می‌رسد که این تنها دستاویز سست و بی‌پایه‌ای است که دکتر عدنان می‌تواند به آن چنگ بزند؛

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

زیرا جایگزین آن، پذیرش این حقیقت است که جزئیات احکام نماز مانند تعداد نمازها و تعداد رکعت‌ها در هر نماز و غیره، در قرآن نیامده و منبع آن سنت نبوی است (که در واقع چنین است)، و اگر از سنت نبوی باشد، بی‌تردید وحی از جانب خداوند عزوجل است؛ چرا که هیچ حکمی از احکام دین نمی‌تواند خارج از مسیر وحی باشد!

اما دلیل او که بیان در آیه **{لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ}** [النحل: ۴۴] به معنای «تلاوت» است، سخنانی سست و بی‌پایه‌اند؛ چرا که اگر دو آیه قبل‌تر در سوره قیامت را که بدان استناد کرده بخوانیم، می‌بینیم که آن آیات خود بر ضد ادعای او حجت می‌آورند، چنان‌که خداوند می‌فرماید: **{لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ}** [القیامة: ۱۶-۱۹] (ای پیامبر، هنگام نزول قرآن) زبانت را برای (تکرار و خواندن) آن، شتابزده حرکت مده * مسلماً جمع‌آوری و خواندن آن، بر [عهده] ماست * پس هرگاه [توسط جبرئیل] آن را [بر تو] خواندیم، از خواندن او پیروی کن * سپس بیان‌کردنش بر [عهده] ماست). سیاق آیات نشان می‌دهد که بیان

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

قرآن از سوی پیامبر ﷺ انجام می‌شود، چنان‌که آیات پیشین «جمع‌آوری» و «قرائت» قرآن را به خداوند نسبت می‌دهند.

روشن است که حفظ قرآن و خواندن آن اموری هستند که توسط پیامبر ﷺ انجام می‌گیرد، و این منافاتی ندارد با آنکه این امور به خداوند نسبت داده شوند؛ زیرا اوست که حفظ آن را در سینه پیامبر تضمین کرده و جاری شدن آن بر زبانش را ممکن ساخته است، و نیز بیان آن را بر زبان پیامبر تضمین کرده است. همچنین از سیاق آیات مشخص است که «بیان» چیزی فراتر از صرف تلاوت است؛ چرا که پیش‌تر درباره حفظ و قرائت سخن گفته شده، و «بیان»، چیزی افزون بر آن‌هاست، زیرا تصور تطابق کامل معنا پس از واژه «ثُمَّ» (که دلالت بر ترتیب و فاصله دارد) ممکن نیست. و از ابن عباس روایت شده که فرمود: «بیان آن، یعنی [بیان] حلال و حرام آن».

نکته‌ای که در اینجا جلب توجه می‌کند، این است که عدنان ابراهیم از انسجام روش شناختی در استدلال‌هایش بی‌بهره است؛ او در ابتدا بیان را بنا به ادعایش با استفاده از تمام آیات قرآن - به معنای تلاوت تفسیر می‌کند،

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

سپس به آیه سوره قیامت **{ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ}** استناد می‌کند تا بگوید که خداوند بیان آن را بر عهده گرفته است! این بیانگر بی‌نظمی و عدم یکپارچگی در شیوه استدلال اوست؛ اگر او بیان را فقط تلاوت می‌داند، پس چرا به آیه‌ای استناد می‌کند که نشان می‌دهد بیان به عهده خداست؟! این را تنها کسی انجام می‌دهد که باور دارد بیان به معنای تفسیر و توضیح است و برای آن که وحی بودن سنت را نفی کند، ناچار است این تفسیر را فقط به خدا نسبت دهد! این خود تأیید می‌کند که دکتر عدنان دچار آشفتگی روش‌شناختی است و به دنبال هر شبهه‌ای می‌گردد تا به آن چنگ بزند، نه آنکه ادله، او را به فهمی منسجم رسانده باشد؛ زیرا ادله او آشفته و متناقض‌اند، گاهی مسئله‌اش این است که معنای «بیان» چیست و گاهی این است که «بیان» به چه کسی نسبت داده می‌شود!

دلیل دیگری نیز از قرآن وجود دارد که نشان می‌دهد وظیفه پیامبر تنها تلاوت کتاب و رساندن آن نیست، بلکه در کنار آن: تزکیه مردم، آموزش کتاب، آموزش

آیا سنت نبوی وحی است؟ |

حکمت و تعلیم آنچه نمی‌دانستند نیز از وظایف اوست، چنان که خداوند متعال فرموده:

{كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ} [البقرة: ۱۲۹] (همچنان که [نعمت دیگری نیز به شما ارزانی داشتیم و] پیامبری از خودتان به میانتان فرستادیم که آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را [با امر به معروف و نهی از منکر، از پلیدی‌ها] پاک می‌گرداند و کتاب و حکمت (قرآن و سنت) به شما می‌آموزد و آنچه را [که از امور دین و دنیایتان] نمی‌دانستید به شما آموزش می‌دهد). تزکیه، آموزش کتاب، آموزش حکمت، و تعلیم آنچه نمی‌دانستند، همگی فراتر و چیزی اضافه بر صرف تلاوتند، و این تأکیدی است بر اینکه بیان پیامبر از قرآن، به وسیله سنت قولی و عملی اوست، که همگی تزکیه و آموزش کتاب و حکمت و دانش نو به مردمند. خداوند عزوجل پیامبر خود را این گونه وصف نمی‌کند تا ما بگوییم وظیفه‌اش تنها تلاوت قرآن است، بلکه برای آن است که

ما از تعالیم او پیروی کنیم و آنچه را به ما می‌آموزد، در کنار تلاوت قرآن به کار بندیم، همان گونه که آیه به روشنی دلالت دارد.

گمانه‌زنی‌های بی‌اساس معاصر

اما تمجید عدنان ابراهیم از اینکه بعضی از معاصران توانسته‌اند تعداد رکعت‌های نماز را از قرآن بفهمند، چیزی جز حدس و گمانی خنده‌دار نیست. (احتمالاً منظور او تلاش‌های عدنان رفاعی باشد). این تلاش‌ها، کوشش‌هایی ناکام برای کنار گذاشتن نقش سنت است و در آن‌ها تکلفی خنده‌دار برای محاسبات عددی پیچیده به کار رفته تا تعداد نمازها و وقت آن‌ها و رکعت‌های هر نماز از قرآن به دست آید. گویی دین خداوند متعال تا این اندازه پیچیده است که امت اسلام تا به حال از شناخت نمازها و تعداد رکعت‌های آن‌ها از قرآن عاجز بوده است، تا اینکه عدنان رفاعی در قرن پانزدهم هجری به ما بگوید چگونه با محاسباتی پر از تکلف، نماز را از قرآن بفهمیم! چیزی که این تکلف را به کلی باطل می‌سازد آن است که مسلمانان نمازهای پنج‌گانه را پیش از هجرت و پیش از کامل شدن نزول قرآن می‌خواندند، در حالی که

کسی که به این محاسبات عددی متوسل شده، به حساب‌های کلمات کل قرآن، چه مکی و چه مدنی، استناد می‌کند!

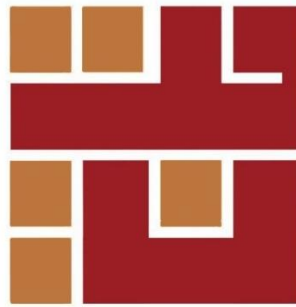
علاوه بر این، احکام نماز تنها در دانستن تعداد نمازها و رکعت‌های آنها خلاصه نمی‌شود، بلکه وسیع‌تر از این است و آنچه که در نماز خوانده می‌شود را نیز در بر می‌گیرد؛ اموری مانند قرائت قرآن، تحیات و تشهد، صلوات ابراهیمی و... همچنین شامل بیان ارکان نماز، شروط نماز، مبطلات آن و دیگر امور نیز هست.

با این حال چگونه می‌توان همه این امور را با آن محاسبات عددی متکلف و پیچیده به دست آورد؟ و علاوه بر این، موضوع سنت منحصر به بیان چگونگی نماز نیست، بلکه احکام فراوان دیگری نیز در دین وجود دارد که جزئیات آنها را در کتاب خدا نمی‌یابیم بلکه تنها در سنت آمده‌اند، و همه آنها به اتفاق امت جزو دین هستند؛ مواردی مانند احکام زکات، روزه، حج، جهاد، ربا، غَرَر، نَجَش، دیه، عِدّه طلاق و غیره. با این حال، حتی اگر تلاش زیادی هم بکنیم، جزئیات آنها را در قرآن نمی‌یابیم، در حالی که امت اسلام بر این اتفاق دارند

آیا سنت نبوی وحی است؟

که این احکام بخشی از دین هستند و از سوی خدا نازل شده‌اند و این یعنی همه آن‌ها وحی هستند. همین مقدار برای اثبات اینکه وحی منحصر به قرآن نیست کافی است، بلکه خداوند متعال بسیاری از جزئیات دین و احکام آن را از طریق سنت به پیامبرش ﷺ وحی کرده است. البته باید تأکید کرد که هر آنچه از گفتار و رفتار از پیامبر ﷺ نقل شده، الزاماً وحی نیست و هر که خواستار بررسی تفصیلی این موضوع است، مطلب «فلسفه سنت» را مطالعه کند.

آیا سنت نبوی وحی است؟



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies